

بخش ویژه

تشکیلات قضائی بلژیک

۴- شعب دیوانعالی کشور
مجموعاً شش شعبه دیوانعالی کشور وجود دارد و این شش شعبه در سه حوزه کاری متفاوت، انجام وظیفه می‌کنند:

- شعب مدنی: این شعب به پرونده‌های حقوقی رسیدگی می‌کنند و مجموعاً دو شعبه می‌باشند که یکی فرانسوی زبان و دیگری فلانماند زبان است؛

- شعب اجتماعی: این شعب به پرونده‌های مربوط به حقوق کار و تأمین اجتماعی رسیدگی می‌نمایند و مثل شعب مدنی دو شعبه می‌باشند؛

- شعب کیفری: این شعب به پرونده‌های کیفری رسیدگی می‌نمایند و ساختار آنها نیز به شرح فوق است.

۵- مجمع عمومی دیوانعالی کشور
در این مجمع ۹ نفر از قضات حضور دارند. مسائل مورد اختلاف در این مجمع طرح می‌گردد و رویه واحد اتخاذ می‌گردد. این رأی برای دادگاه‌ها لازم‌الاتباع نیست ولی از نظر معنوی در ایجاد رویه واحد بسیار مؤثر است زیرا دادگاه‌ها می‌دانند که ممکن است حکم آنها در نهایت نزد دیوانعالی کشور مطرح شود و نظر دیوان نیز در قالب تصمیم مجمع عمومی اعلام شده است، لذا سعی می‌کنند خود را با این نظر تطبیق دهند.

ب) صلاحیت‌های دیوانعالی کشور

۱- رسیدگی فرجامی نسبت به کلیه احکام دادگاه‌ها، که این نوع رسیدگی، رسیدگی شکلی است؛

۲- صدور رأی وحدت رویه در مورد مسائل مورد اختلاف. این رأی در مجمع عمومی صادر می‌گردد و لازم‌الاتباع نیست؛

۳- حل اختلاف در مورد اختلاف در صلاحیت‌ها؛

خود پرونده را به شعبه دیوانعالی کشور می‌دهد. در حال حاضر جهت سهولت کار، هر یک از دادیاران، همراه یک شعبه دیوانعالی کشور، مشغول انجام وظیفه هستند.

۳- کانون وکلای دیوانعالی کشور

در امور مدنی طرح دعوی فرجام‌خواهی در دیوانعالی کشور فقط توسط وکیل ممکن است، یعنی داشتن وکیل در این مرحله اجباری است. از طرفی کلیه وکیل‌ها صلاحیت طرح دعوی در دیوانعالی کشور را ندارند. کانونی به نام کانون وکلان دیوانعالی کشور وجود دارد که فرجام‌خواه باید از بین وکیل‌های این کانون جهت طرح فرجام‌خواهی، وکیل انتخاب نماید این کانون مستقل از کانون وکلای بلژیک است و دارای رئیس مستقلی است. بنابراین؛ اصحاب دعوی نمی‌توانند از بین سایر وکلای، وکیل انتخاب کنند. تعداد این وکیل‌ها در حال حاضر ۲۰ نفر است. اصحاب دعوی برای طرح دعوی فرجام‌خواهی ابتدا به وکلای فوق مراجعه و با آنها مشورت می‌کنند سپس در صورت احتمال مؤثر بودن فرجام‌خواهی، و کالا پرونده را قبول می‌کنند و طرح دعوی می‌نمایند. در بسیاری از موارد به علت عدم امکان موفقیت و بی‌تأثیر بودن فرجام‌خواهی، وکلای اصحاب دعوی را از فرجام‌خواهی منصرف می‌نمایند. این سیستم در کاهش فرجام‌خواهی پرونده‌های حقوقی بسیار مؤثر بوده است، به نحوی که نسبت به پرونده‌های کیفری، فرجام‌خواهی در امور حقوقی از آمار کمتری برخوردار است.

از سوی دیگر به علت مداخله وکلای، نسبت موفقیت در فرجام‌خواهی یعنی تغییر در آراء فرجام‌خواسته در پرونده‌های حقوقی نسبت به کل پرونده‌های مطروحه حدود ۵۰ درصد است در حالی که در امور کیفری ۱۰ درصد می‌باشد.

در شماره گذشته قسمت اول گزارش تشکیلات قضائی بلژیک را با هم مرور نمودیم در این شماره قسمت بعدی را

مرور می‌کنیم

۱) دیوانعالی کشور

عالی‌ترین مرجع قضائی در ساختار قوه قضائیه بلژیک، دیوانعالی کشور است. به طور کلی وظیفه این دیوان نظارت بر احکام دادگاه‌ها است و به عنوان عالی‌ترین مرجع قضائی کشور حافظ قانون است. به شرح ذیل ترکیب دیوان و صلاحیت‌های آن و شیوه رسیدگی در دیوان را بطور جداگانه بررسی می‌کنیم.

الف) ساختار دیوانعالی کشور

۱- مدیریت

دیوانعالی کشور دارای دو رئیس است، رئیس اول که رئیس تشریفاتی محسوب می‌شود و دیگری رئیس عملی و کاری است. این دو رئیس باید یکی فرانسوی زبان و دیگری فلانماند زبان باشد. رئیس اول از سوی شاه مستقیماً تعیین می‌شود و رئیس دوم توسط قضات کل کشور انتخاب می‌گردد و نهایتاً شاه حکم وی را امضا می‌نماید. نتیجه ارزیابی این شیوه مدیریتی در دیوانعالی کشور مثبت بوده زیرا رئیس اول به امور کلی و تشریفاتی و اداری در سطح کلان می‌پردازد و رئیس دوم مشغول انجام کارهای عملی و قضائی است. در مسائل غیرقضائی، اتخاذ تصمیم نهایی با رئیس اول است. هر کدام از این رؤسا باید حداقل ۱۰ سال سابقه خدمت قضائی در دیوانعالی کشور داشته باشند. رئیس اول اختیار قضائی ندارد و فقط ممکن است از نظر معنوی در تصمیمات قضائی اثرگذار باشد.

۲- دادستانی دیوانعالی کشور

در معیت دیوانعالی کشور یک دادسرا انجام وظیفه می‌کند. در این دادسرا یک دادستان و دوازده دادیار مشغول انجام وظیفه هستند. کلیه پرونده‌ها اعم از مدنی و کیفری ابتدا به دادسرا ارجاع می‌شوند و دادستان شخصاً یا با ارجاع به دادیاران از پرونده گزارش تهیه می‌کند، سپس همراه نظر

۱- تعقیب و تحقیق در مورد جرائم مثل جرائم علیه امنیت کشور، قاچاق انسان، قاچاق اسلحه، جرائم بسیار شدید نقض حقوق بشر دوستانه، جرائم سازمان‌یافته و تروریسم، در کلیه این جرائم اعم از اینکه در هر دو مرحله بدوی و تجدیدنظر وظیفه دادسرای شاهی و عمومی را دادستان فدرال انجام می‌دهد. اجراء احکام این جرائم نیز با دادستان فدرال است، همان‌طور که در مورد سایر جرائم، اجراء احکام با دادسرا است.

حوزه صلاحیت محلی دادسرای فدرال، کل کشور بلژیک است لذا جرم در هر کجا اتفاق بیفتد پرونده به دادسرای فدرال ارجاع می‌شود. اما این دادسرا در معیت دادگاه ویژه‌ای انجام وظیفه نمی‌کند و پرونده جهت دادرسی، حسب مورد، به دادگاه صالح محل مربوطه ارسال می‌شود. چنانچه دادسرای فدرال تعقیب و تحقیق پرونده را به دادسرای مربوطه محلی ارجاع دهد آن دادسرا مکلف به قبول است. ارجاع پرونده به دادسرای اخیر، از اختیارات دادستان فدرال است. در دادسرای فدرال، بازپرس وجود ندارد فقط دادستان همراه دادیاران انجام وظیفه می‌کنند همچنین در کنار دادستان فدرال، پلیس ویژه‌ای انجام وظیفه نمی‌کند بلکه از پلیس عمومی استفاده می‌شود.

۲- هماهنگی بین دادسراها در مورد پرونده‌هایی که باید یکجا رسیدگی شود اما در دادسراهای مختلف مطرح به رسیدگی هستند.

۳- نظارت بر دادسراهای عمومی و شاهی. دادستان یا دادیار دادسرای فدرال در جلسات دوره‌ای دادسراهای شاهی و فدرال که با حضور کلیه قضات این دادسراها به طور جداگانه تشکیل می‌گردد بدون داشتن حق رأی، حضور می‌یابد.

۴- تسهیل همکاری‌های قضایی بین‌المللی مثل معاضدت قضایی و استرداد مجرمان.

معیت هر حوزه یک دادسرای عمومی، و وظایف دادسرا را در مرحله تجدیدنظر به عهده دارد. این دادگاه‌ها و دادسراها به مرکزیت شهرهای بزرگ این کشور مثل لیژ، تشکیل شده‌اند. دادسراهای عمومی برای حسن اجراء قانون بر کار کلیه دادگاه‌ها و دادسرای شاهی نظارت دارند، این نظارت به صورت کلی است و حق مداخله در امور قضائی دادگاه‌ها و دادسراها ندارد.

علاوه بر این، به جرائم قضات و وزراء نیز ابتدا در دادسرای عمومی رسیدگی می‌شود. دادسرای شاهی در معیت دادگاه‌های بدوی کیفری، دادگاه پلیس و دادگاه تجارت انجام وظیفه می‌نماید. در این دادسرا دادیاران و بازپرس‌ها انجام وظیفه می‌کنند. پرونده‌های مهم و نیز پرونده‌های خاصی که قانون تعیین کرده است به بازپرس ارجاع می‌شود. کلیه احکام بازرسی منزل، توسط بازپرس صادر می‌شود و چنانچه دادستان یا دادیار نیاز به دستور بازرسی منزل داشته باشد باید از بازپرس تقاضا کند. بازپرس در موارد ذیل شروع به رسیدگی می‌نماید:

۱- ارجاع دادستان یا معاون او ۲- اعلام مستقیم جرم به بازپرس؛ قسمت اخیر زمانی است که تحقیق جرم قانوناً به عهده بازپرس باشد، مثل ورشکستگی به تقلب و یا به تقصیر در این موارد بازپرس در معیت دادگاه‌های تجاری انجام وظیفه می‌کند.

ب) دادسرای فدرال ۴

۱- ساختار دادسرای فدرال

دادسرای فدرال سازمان جدیدی است که از سال ۲۰۰۲ در بلژیک تأسیس شده است. این دادسرا از یک دادستان و ۴۰ دادیار تشکیل شده است. دادیاران را اصطلاحاً، قضات فدرال می‌گویند ولی در واقع دادیار هستند زیرا وظیفه آنها همانند سایر دادیاران تحقیق، صدور کیفرخواست است. دادسرای فدرال زیر نظر وزیر دادگستری و نهایتاً قوه مجریه است. دادستان این دادسرا از بین قضاتی که حداقل دارای ۱۵ سال سابقه خدمت هستند و ۷ سال قبل از انتخاب، به عنوان قاضی دادسرا انجام وظیفه کرده باشند و همچنین مسلط به دو زبان فرانسوی و فلانماند باشند به شرح ذیل انتخاب می‌گردد: در ابتدا وزیر دادگستری اعلام می‌کند که پست دادستان فدرال خالی است و نیاز به دادستان می‌باشد، قضاتی که دارای شرایط فوق هستند اعلام آمادگی می‌کنند، شورای عالی عدالت، قاضی را با آزمون و

تحقیق لازم‌گزینش می‌کند و مراتب را به وزیر دادگستری اعلام می‌نماید. وزیر دادگستری به شاه پیشنهاد می‌کند و دادستان فدرال با حکم شاه به مدت ۷ سال انتخاب می‌شود. این مدت قابل تمدید نیست. دادیاران دادسرا نیز از بین قضات دادسرا برای مدت پنج سال انتخاب می‌شوند و این مدت قابل تمدید نیست. دادستان فدرال دارای این وظایف است:

۴- نظارت انتظامی بر قضات کشور؛ چون تخلفات قضات بسیار کم بوده لذا به موجب یک قانون بسیار قدیمی، رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات با دیوان عالی کشور است اما اخیراً به علت حدوث چندین موضوع مهم، تشکیل دادسرای انتظامی قضات یکی از مباحث مطرح است، پارلمان چند بار اقدام به ارائه طرح تشکیل این دادسرا نموده است اما موفقیت‌آمیز نبوده و اختلافاتی در مورد اینکه چه کسی نظارت کند، وجود دارد. در حال حاضر در این موارد دیوان عالی کشور رسیدگی می‌کند و می‌تواند به قضات انفصال دائم یا موقت دهد. قضات بلژیک دارای مصونیت قضائی هستند.

ج) شیوه رسیدگی در دیوان عالی کشور

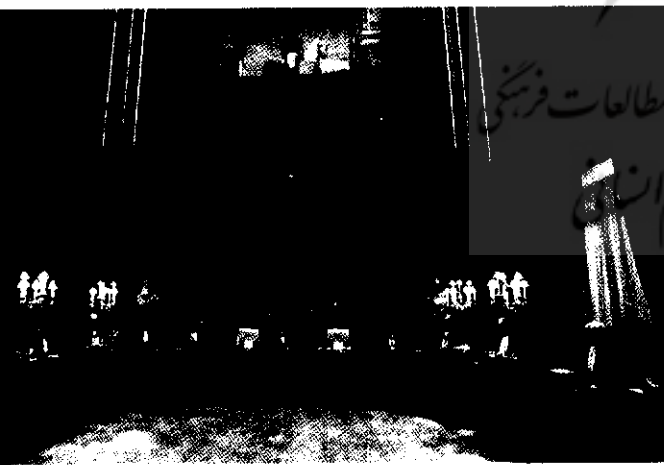
رسیدگی در دیوان عالی کشور شکلی است و با کسب نظر دادسرای دیوان عالی کشور پرونده در شعب دیوان طرح می‌گردد. شعب دیوان عالی کشور اگر لازم بدانند و کلاً و یا اصحاب دعوی را دعوت می‌نمایند، در غیر این صورت بدون حضور آنها رسیدگی می‌نمایند سپس پرونده در دادگاه مطرح می‌شود. در دیوان عالی کشور ارجاع با رئیس دوم است. در صورت نقض حکم، پرونده برای رسیدگی به شعبه هم‌عرض ارسال می‌گردد. در مورد اختلاف در صلاحیت، چنانچه پرونده به دادگاهی داده شود که قبلاً از خود نفی صلاحیت کرده است و دیوان عالی کشور آن دادگاه را صالح به رسیدگی بداند، پرونده به آنها دادگاه ارسال می‌گردد، اما قضات آن دادگاه مکلف به رسیدگی نیستند بلکه باید توسط قضاتی دیگر ولی در همان دادگاه به پرونده رسیدگی شود زیرا این قضات خود را صالح به رسیدگی نمی‌دانند و نمی‌توان آنها را مجبور به رسیدگی کرد. آخرین نکته در مورد دیوان عالی کشور این است که دیوان می‌تواند در بعضی موارد، قرار تعلیق رسیدگی صادر کند. این قرار زمانی صادر می‌شود که وکلاء و یا اصحاب دعوی، ایراد مخالفت یک قانون مورد استناد را با قانون اساسی اعلام کنند. از آنجایی که اظهار نظر در مورد موافقت و یا مخالفت مقررات با قانون اساسی در صلاحیت دیوان دوری است، لذا دیوان عالی کشور حق اظهار نظر ندارد و قرار تعلیق رسیدگی صادر می‌نماید تا موضوع مورد ایراد را از مرجع مربوطه استعلام نماید و پس از وصول جواب، به رسیدگی ادامه می‌دهد. برای جلوگیری از سوءاستفاده از این حق این اختیار به دیوان عالی کشور داده شده است که در دو مورد ایراد را نپذیرد: ۱- اگر قبلاً در مورد مشابه سؤال شده باشد. ۲- چنانچه پاسخ به قدری واضح باشد که نیاز به طرح سؤال نباشد، تشخیص وضوح پاسخ، با خود دیوان عالی کشور است.

۲) دادسراها ۲

الف) دادسرای شاهی و عمومی

در تشکیلات قضائی بلژیک دادسراهای مختلفی انجام وظیفه می‌نمایند. دادسرای عمومی، دادسرای شاهی، دادسرای دیوان عالی کشور و دادسرای فدرال، مجموعه دادسراهای این کشور را تشکیل می‌دهند.

دادسرای دیوان عالی کشور در معیت دیوان عالی کشور انجام وظیفه می‌نماید و دادسرای عمومی در معیت دادگاه‌های تجدیدنظر انجام وظیفه می‌کند. کل کشور بلژیک دارای پنج حوزه دادگاه تجدیدنظر است که در



در تشکیلات قضائی بلژیک دادسراهای مختلفی انجام وظیفه می‌نمایند.
دادسرای عمومی، دادسرای شاهی، دادسرای دیوان عالی کشور و دادسرای فدرال، مجموعه دادسراهای این کشور را تشکیل می‌دهند

۵- ارزیابی اعمال سیاست جنایی . سیاست جنایی کشور توسط کمیته سیاست جنایی و زیر نظر وزیر دادگستری تعیین می گردد، نظارت بر اعمال و اجراء این سیاست های تعیین شده با دادستان فدرال است .

۶- نظارت بر حسن اجرای قانون . یکی از وظایف دادسرای فدرال این است که نظارت لازم اعمال نماید تا با احکام دادگاه ها ، قوانین نقض نشوند؛ لذا چنانچه تشخیص دهد حکمی خلاف قانون صادر شده است و آن حکم قطعیت یافته باشد می تواند تقاضای اعاده دادرسی از دیوانعالی کشور بکند ، رأی دیوان در این مرحله تأثیری در ماهیت پرونده مورد نظر ندارد و صرفاً برای جلوگیری از نقض قانون است .

۳) انواع دادگاهها

در رأس دادگاه های قوه قضائیه بلژیک ، دیوانعالی کشور قرار دارد . وظیفه این دیوان به عنوان عالی ترین مرجع قضائی ، نظارت بر دادگاه ها جهت رعایت قانون است ، بعد از دیوانعالی کشور ، دادگاه های تجدیدنظر قرار دارند که وظیفه آنها تجدیدنظر از احکام دادگاه های بدوی ، تجارت و دادگاه های کار می باشد . بعد از آن ، دادگاه های بدوی قرار دارند . دادگاه های بدوی (کیفری و مدنی) و دادگاه های تجارت و کار رسیدگی ابتدایی را حسب صلاحیت های تعیین شده ، انجام می دهند .

الف) دادگاه های بدوی

مهمترین دادگاه های این کشور دادگاه های بدوی هستند . کل کشور بلژیک به ۲۷ حوزه قضائی تقسیم می شود . در هر حوزه دادگاه های بدوی ، دادگاه تجارت ، دادگاه کار ، دادگاه پلیس ، دادگاه صلح و دادسرای شاهی انجام وظیفه می کنند . اصل بر صلاحیت رسیدگی دادگاه های بدوی است مگر آنچه را که قانون به عهده سایر دادگاه ها محول کرده باشد . این دادگاه ها دو نوع صلاحیت دارند : اول صلاحیت رسیدگی بدوی که شرح آن خواهد آمد دوم ، صلاحیت رسیدگی تجدید نظر ، این دادگاه ها مرجع تجدیدنظر از احکام دادگاه های صلح و پلیس هستند . کلیه دعوی مدنی که موضوع آنها تا ۱۸۷۰ یورو باشد در دادگاه های صلح مورد رسیدگی قرار می گیرند و مرجع تجدیدنظر در این موارد دادگاه های بدوی هستند . دادگاه های بدوی به سه دسته تقسیم می شوند :

۱- دادگاه مدنی

این دادگاه ها صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم مدنی را دارند مگر مواردی که در صلاحیت دادگاه های تجاری و کار و دادگاه صلح باشد . در این دادگاه ها ممکن است رسیدگی با حضور یک قاضی و یا سه قاضی صورت گیرد . در صورتی رسیدگی با حضور سه قاضی است که دادگاه بدوی مدنی در مقام تجدیدنظر از احکام دادگاه های صلح باشد . شعب دادگاه های بدوی مدنی نیز به صورت تخصصی انجام وظیفه می نمایند . میزان پرونده موجود در هر شعبه مدنی بین ۱۵ تا ۴۰ پرونده است .

۲- دادگاه کیفری

اصل بر صلاحیت دادگاه های بدوی کیفری است مگر مواردی که قانون رسیدگی به آنها را در صلاحیت دیگر

مرجع مثل دادگاه پلیس قرار داده باشد . کلیه دعوی کیفری مربوط به روابط کارگر و کارفرما نیز در دادگاه های بدوی کیفری مورد رسیدگی قرار می گیرند زیرا ، دادگاه های کار ماهیت حقوقی دارند و به دعوی حقوقی کارگر و کارفرما رسیدگی می نمایند . شعب دادگاه های کیفری به صورت تخصصی هستند ؛ مثلاً یک یا چند شعبه به جرائم جوانان و همچنین شعبی به جرائم مالی و . . . اختصاص دارند . در معیت دادگاه های کیفری ، دادسرای شاهی انجام وظیفه می نماید . آیین دادرسی در دادگاه های جوانان نسبت به سایر دادگاه ها متفاوت است ، در دادگاه های جوانان تصمیمات قضائی با هدف های تربیتی اتخاذ می شود ، شیوه اجرای کیفرها نیز با بزرگسالان متفاوت است ، در قانون اصلاح و تربیت برای جوانان و نوجوانان برنامه های تربیتی اجرا می شود . سن مسئولیت کیفری در بلژیک ۱۸ سال است و این برنامه ها برای افراد زیر ۱۸ سال اجرا می شود . دادگاه های کیفری با حضور یک قاضی و در موارد خاص با حضور ۳ قاضی تشکیل می گردند ، در موردی که دادگاه کیفری در مقام تجدیدنظر از احکام دادگاه های پلیس انجام وظیفه می کند و در مورد جرائم بر ضد عفت و اخلاق عمومی و در سایر جرائم نیز در صورت تقاضای متهم یا دادستان ، دادگاه کیفری با حضور سه قاضی تشکیل می گردد .

۳- دادگاه تجارت

دادگاه های تجاری ، دادگاه های تخصصی هستند . این دادگاه ها کلیه دعوی مربوط به شرکت های تجاری و دعوی این شرکت ها علیه همدیگر و دعوی مربوط به ورشکستگی را رسیدگی می نماید . دادگاه تجاری با حضور سه قاضی تشکیل می گردد ، یک نفر از قضات رسمی دادگستری و دو نفر از صاحبان مشاغل مربوطه ، اعضا این دادگاه را تشکیل می دهند . این دو نفر از متخصصین مشاغل تجاری می باشند . شیوه انتخاب این دو نفر که آنها را مستشار دادگاه تجارت می نامند ، به این شکل است که همانند سایر مناصب قضائی در ابتدا از طریق روزنامه رسمی اعلام می شود که این مناصب بلا تصدی هستند و افراد دارای شرایط ، کاندید می شوند و شورای عالی عدالت آنها را انتخاب و گزینش می نماید . تشکیل جلسه دادگاه با حضور سه نفر و ملاک صدور تصمیم ، اکثریت آراء از بین سه قاضی است .

مستشاران برای مدت معین انتخاب می شوند و استخدام رسمی نیستند و در این مدت معین ، حقوق اندکی به آنها پرداخت می شود . آراء دادگاه های تجاری مانند سایر دادگاه ها که رسیدگی بدوی می نمایند قابل تجدیدنظر در دادگاه های تجدیدنظر است .

۴- دادگاه کار

این دادگاه های تخصصی و حقوقی نیز رسیدگی بدوی می نمایند . کلیه دعوی مربوط به کارگر و کارفرما و دعوی تأمین اجتماعی و بیمه در صلاحیت این دادگاه ها است . دادگاه های کار با حضور سه قاضی تشکیل می شود . رئیس دادگاه ، قاضی رسمی دادگستری است و دو نفر مستشار از بین کارفرما یا کارگران همانند اعضا مستشار دادگاه های تجارت انتخاب می شوند . در این دادگاه ها نحوه انتخاب مستشاران و شیوه رسیدگی نیز مثل دادگاه های تجارت است . کلیه احکام این دادگاه ها قابل تجدیدنظر در

دادگاه های تجدیدنظر هستند .

۵- دادگاه صلح

دادگاه صلح یک نوع دادگاه حقوقی است که دعوی خانوادگی و کلیه دعوی مدنی که میزان آنها ۱۸۷۰ یورو ، کمتر است در این دادگاه ها رسیدگی می شوند . آراء دادگاه های صلح قابل تجدیدنظر در دادگاه های بدوی مدنی است . این دادگاه ها با حضور یک نفر قاضی رسیدگی می کنند و در دعوی خانوادگی مددکاران و مشاوران روانشناسی و اجتماعی در روند رسیدگی مشارکت دارند ، اما اتخاذ تصمیم نهایی با قاضی دادگاه است .

۷- دادگاه های پلیس

دادگاه های پلیس به کلیه جرائم مربوط به راهنمایی و رانندگی و تصادفات رسیدگی می نمایند ، این دادگاه ها کیفری هستند و در معیت آنها دادسرای شاهی انجام وظیفه می کند . دادگاه های پلیس با حضور یک نفر قاضی تشکیل می گردند و کلیه احکام آنها قابل تجدیدنظر در دادگاه های کیفری بدوی است .

ب) دادگاه های تجدیدنظر

دادگاه های تجدیدنظر جزء قوه قضائیه بلژیک محسوب می گردند و در قانون اساسی به تشکیل و استقلال این دادگاه ها اشاره شده است . کل کشور بلژیک به پنج حوزه دادگاه های تجدیدنظر تقسیم می گردد . یک حوزه متعلق به بروکسل و چهار حوزه دیگر با مرکزیت چهار شهر بزرگ کشور و در حوزه معین تشکیل شده است . کلیه احکام دادگاه های ابتدایی به جز مواردی که رسیدگی به تجدیدنظر خواهی آنها در صلاحیت دادگاه های بدوی است ، قابل تجدیدنظر خواهی در این دادگاه ها هستند . دادگاه های تجدیدنظر به دو بخش مدنی و کیفری تقسیم می شوند .

شعب کیفری با حضور سه قاضی تشکیل می شوند و شعب مدنی با یک نفر قاضی رسمیت پیدا می نماید ، مگر موارد خاصی که قانون تعیین کرده که باید با حضور سه قاضی تشکیل گردد ، مثل موردی که اصحاب دعوی یا وکلاء آنها تقاضای رسیدگی با حضور سه نفر قاضی بنمایند . در مواردی که شعب دادگاه های تجدیدنظر با حضور سه نفر تشکیل شوند دو نفر از آنها مستشار هستند . مستشاران دادگاه تجدیدنظر به طرق مختلف انتخاب می شوند . اولین شیوه این است که مستشاران از بین قضات انتخاب شوند . در این صورت مستشار باید دارای ۱۵ سال سابقه کار قضائی باشد و حداقل پنج سال به عنوان قاضی دادگاه انجام وظیفه کرده باشد .

شیوه دوم انتخاب مستشاران به این شکل است که افراد متقاضی در آزمون مربوطه شرکت نمایند در این شیوه وکلاء دادگستری نیز با ۱۵ سال سابقه می توانند شرکت نمایند . شیوه سوم زمانی است که قضات دارای ۷ سال سابقه باشند و می توانند با طی کردن دوره کارآموزی به عنوان مستشار انتخاب شوند .

با این سه شیوه مستشاران به عنوان قضات دائم دادگاه تجدیدنظر انتخاب می شوند اما به لحاظ نیازی که دادگاه های تجدیدنظر دارند ممکن است مستشار موقت نیز انتخاب نمایند . در این صورت اساتید دانشگاه با بیست سال سابقه



یکی از اصول پذیرفته شده در قانون بلژیک اصل برابری اعضای خانواده است. یعنی زن و مرد و بچه‌ها دارای حقوق مساوی هستند و هیچ یک را بر دیگری برتری نیست

تدریس و قضات بازنشسته و کلاه دارای بیست سال سابقه کار می‌توانند با طی کردن فرآیند ذیل به عنوان مستشار موقت انتخاب شوند:

- اخذ عقیده و نظر مقامات محل زندگی متقاضیان
- اخذ نظر موافق مجمع دادگاه‌های تجدیدنظر

در این صورت افراد به عنوان مستشار موقت یا علی‌البدل دادگاه‌های تجدیدنظر انتخاب می‌شوند و فقط در دادگاه‌های تجدیدنظر مدنی و تجاری در صورت غیبت اعضاء اصلی، از آنها استفاده می‌شود. یکی دیگر از وظایف دادگاه‌های تجدیدنظر نظارت بر دادگاه‌های تالی است که دادگاه‌ها باید گزارش عملکرد خود را به دادگاه تجدیدنظر ارسال نمایند.

دادگاه‌های تجدیدنظر تجارت و کار

شعبی از دادگاه‌های تجدیدنظر به طور اختصاصی به پرونده‌هایی رسیدگی می‌کند که در دادگاه‌های تجارت و کار مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند. دادگاه‌های تجدیدنظر تجارت و کار هر کدام جدای از دیگری می‌باشند. شرایط رسیدگی و ساختار این دادگاه‌ها مانند سایر شعب دادگاه‌های تجدیدنظر است. علاوه بر این دادگاه‌های تجدیدنظر در مواردی نیز رسیدگی بدوی می‌نمایند. در این مورد همانند سایر موارد، دادسرای عمومی در معیت این دادگاه‌ها انجام وظیفه می‌نمایند. در موارد ذیل دادگاه‌های تجدیدنظر رسیدگی بدوی می‌نمایند:

- ۱- جرائم سیاسی
- ۲- جرائم مطبوعاتی
- ۳- کلیه جرائم قضات و وزراء

رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیات منصفه صورت می‌گیرد و اعضاء هیات منصفه در این دادگاه‌ها ۱۲ نفر است که از بین مشاغل مختلف انتخاب می‌شوند.

۵- حقوق خانواده

یکی از اصول پذیرفته شده در قانون بلژیک اصل برابری اعضاء خانواده است. یعنی زن و مرد و بچه‌ها دارای حقوق مساوی هستند و هیچ یک را بر دیگری برتری نیست. دو دسته مقررات بر حقوق خانواده حاکم است: اول - قوانین داخلی بلژیک و دوم - مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی، که عمدتاً این بخش را مقررات مربوط به اتحادیه اروپا تشکیل می‌دهد. در صورت تعارض قوانین داخلی و مقررات مربوط به اتحادیه اروپا، مقررات اخیر اولویت دارد.

الف) ازدواج

شرایطی که برای ازدواج عمومیت دارد شامل: (الف) ۱۸ سال تمام برای مرد و زن (ب) فقدان همسر دیگر (ج) حداقل سه ماه اقامت در بلژیک (برای خارجی‌ان). در بلژیک ازدواج به سه صورت ممکن است: اول اینکه طرفین جهت ازدواج به شهرداری مراجعه می‌کنند و واقعه ازدواج را به ثبت می‌رسانند. برای ثبت این نوع ازدواج حضور طرفین اجباری است و هیچ ازدواجی به صورت غیابی و یا وکالت به ثبت نمی‌رسد. دو نفر شاهد نیز باید حضور داشته باشند.

مراجعه به روحانیون مذهبی و اجراء تشریفات دینی ازدواج اختیاری است. زوجین می‌توانند علاوه بر ثبت ازدواج، تشریفات مذهبی را نیز جاری نمایند.

نوع دیگر ازدواج با هم زندگی کردن است، در این شیوه صرفاً طرفین به شهرداری اعلام می‌کنند که با همدیگر زندگی می‌نمایند. بر اساس قانونی که در سال‌های اخیر به تصویب رسیده است این نوع ازدواج تمام آثار ازدواج قانونی را داراست و فرزند ناشی از این نوع روابط فرزند قانونی محسوب می‌شود. غیر از موارد فوق چنانچه زوجین با همدیگر زندگی نمایند هیچگونه آثار قانونی بر آن بار نیست.

ب) آثار ازدواج

بر اساس قانون آثار ذیل بر ازدواج بار می‌شود:

- الف) وفاداری به ازدواج
 - ب) امداد زوجین به همدیگر
 - ج) عدم تغییر اهلیت حقوقی طرفین
 - و) زندگی در مسکن مشترک
- پرداخت نفقه زندگی مشترک به عهده شوهر نیست، مگر اینکه زن توان مالی نداشته باشد و فاقد شغل باشد. هر یک از زوجین به قدر توان خود در صورت تمکن مالی هزینه زندگی را پرداخت می‌کنند.

ج) انحلال ازدواج

ازدواج به سه طریق پایان می‌یابد:

الف) طلاق یک طرفه - در این نوع طلاق تقاضای طلاق باید برای توجیه تقاضای خود دلیل ارائه دهد و این دلیل باید مورد قبول دادگاه باشد، مثلاً رابطه غیر قانونی، افراط در مصرف الکل و مواد مخدر و خشونت از مصادیق موجه برای تقاضای طلاق است.

ب) طلاق توافقی - برای تقاضای طلاق توافقی باید حداقل دو سال از واقعه ازدواج سپری شده باشد. ج) طلاق به دلیل جدا شدن عملی - و آن زمانی است

که یکی از زوجین حداقل به مدت دو سال منزل مشترک را ترک نماید. در این صورت زوج دیگری می‌تواند تقاضای طلاق نماید. کلیه طلاق‌ها باید با حکم دادگاه باشد. در طلاق توافقی طرفین باید تکلیف حضانت بچه و نفقه او را مشخص نمایند.

د) نسب

نسب بیشتر به نام مادر ثبت می‌شود. از نظر اسم (نام خانوادگی) چنانچه پدر بچه مشخص باشد؛ نام پدر و در غیر این صورت نام مادر به عنوان نام خانوادگی انتخاب می‌گردد. در صورتی که ازدواج ثبت شده باشد یا با هم زندگی کردن زوجین، به شهرداری اعلام شده باشد، بچه فرزند قانونی زوجین است. چنانچه فرزند، ناشی از روابطی غیر از موارد فوق باشد در صورتی که پدر انتساب بچه به خود را قبول کند، متعلق به وی بوده و پدر بچه محسوب می‌گردد در غیر این صورت بچه فقط متعلق به مادر است. مادر می‌تواند علیه پدر، دعوی اثبات نسب، طرح نماید در این صورت با آزمایش‌های D.N.A موضوع مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. نفقه بچه به عهده پدر است ولی اگر توان مالی نداشته باشد به عهده مادر است.

ه) قواعد بین‌الملل خصوصی در مورد طلاق

در مورد طلاق اولویت با قانون کشوری است که طرفین در آن اقامت دارند. این مقررات در سال‌های اخیر به تصویب رسیده و ناشی از گرایشی است که در حقوق بین‌الملل خصوصی نسبت به اقامتگاه وجود دارد. چنانچه زوجین، هر دو در یک کشور اقامتگاه نداشته باشند، آخرین اقامتگاه مشترک ملاک است، در غیر این دو صورت نوبت به اجرای معیار تابعیت می‌رسد؛ نهایتاً؛ در صورت عدم امکان هیچ یک از معیارهای فوق، قانون بلژیک اجراء می‌شود. طرفین می‌توانند با توافق، قانون حاکم بر طلاق را تعیین نمایند. البته این اختیار مربوط می‌شود به تعیین قانون کشور متبوع یکی از طرفین یا قانون بلژیک و اختیار کامل برای انتخاب قانون کلیه کشورها نیست.

آخرین نکته در مورد حقوق خانواده اینکه از سال ۲۰۰۳، به موجب قانونی که در فوریه این سال به علت همسویی با حقوق اتحادیه اروپا به تصویب رسیده است، افراد همجنس نیز می‌توانند با همدیگر زندگی نمایند. کلیه آثار ازدواج رسمی در موارد این شیوه زندگی جاری است، تنها این افراد نمی‌توانند فرزندخوانده داشته باشند.

و) دادگاه خانواده

دادگاه تخصصی جهت رسیدگی به دعوی خانواده در بلژیک وجود ندارد. رسیدگی به دعاوی خانوادگی در صلاحیت دادگاه صلح است. معمولاً شعبی از این دادگاه‌ها به دعوی خانواده اختصاص داده می‌شود. در این دادگاه‌ها از مشاوران و مددکاران اجتماعی و روانشناسی استفاده می‌شود.

ادامه دارد

پی‌نوشت‌ها:

- 1 Cour de cassation
- 2 Parquets
- 3 Liege
- 4 Parquet federal